



بررسی رابطه‌ی بین نوع فرایند طرحواره‌ای و نگرش به ازدواج

The Relationship between Schema Maintenance Process and Students' Attitude toward Marriage

Zohreh Khosravi, PhD., Susan Seif, PhD., and Shahrbanoo Alie

دکتر زهره خسروی^۱، دکتر سوسن سیف^۲ و شهربانو عالی^۳

پذیرش نهایی: ۸۷/۵/۱۵

تاریخ بازنگری: ۸۷/۵/۷

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۱

Abstract

Schemas have basic role in conception of self-image. They form our knowledge about self and world in way we anticipate events on the basis of this belief.

In this study we investigated attitudes toward marriage between students who tended to schema maintenance process and those who tended to schema compensation process. Three hundred seven student (116 males and 191 females) from Ferdowsi University of Mashhad participated in this study. They answered Mate Selection Inventory (MSI) and Hill's Favorableness of Attitudes Toward Marriage Scale (FAMS).

The results of independent sample t-test suggested that the study hypothesis implying to significant difference in attitudes toward marriage between students who tend to schema maintenance process and those who tend to schema compensation process in abandonment, failure, dependence, undeveloped self, self-sacrifice, subjugation schemas is true.

Keywords

early schemas kind of schema processes, mate selection, attitude toward marriage

چکیده

طرحواره‌ها در احساسی که ما از خودمان داریم نقش محوری دارند. آنها دانش ما را در مورد خودمان و جهان شکل می‌دهند به نحوی که وقایع زندگی را بر اساس این باورها پیش بینی می‌کنیم (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴). در این پژوهش نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که در همسرگزینی به فرایند تداوم طرحواره گرایش دارند و آنها که به جبران طرحواره گرایش دارند مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. نمونه‌ی مورد مطالعه از میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به روش نمونه گیری طبقه ای نسبتی انتخاب شدند که شامل ۱۹۱ زن و ۱۱۶ مرد می‌باشند.

شرکت کنندگان به پرسشنامه طرحواره‌های یانگ (SQ-SF) و پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی همسرگزینی (MSI) پاسخ دادند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد تفاوت معناداری در نگرش به ازدواج در افرادی که به فرایند جبران طرحواره گرایش دارند در مقایسه با آنها که به فرایند تداوم طرحواره متمایل هستند وجود دارد. این تفاوت در خصوص طرحواره‌های رهاشدگی، شکست، وابستگی، خودتحول نیافته، ایثار و اطاعت تایید شد.

کلید واژه‌ها

طرحواره‌های اولیه نوع فرایندهای طرحواره‌ای، انتخاب شریک زندگی، نگرش به ازدواج



مقدمه

در بافت روانشناسی و روان درمانی طحاره به طور کلی به عنوان یک اصل سازمان بخش کلی در نظر گرفته می‌شود که برای درک تجارب زندگی فرد ضروری است. یکی از مفاهیم مرتبط با حوزه روان درمانی این است که بسیاری از طحاره‌ها در اوایل زندگی شکل می‌گیرند و به حرکت خود ادامه می‌دهند و خودشان را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند. این مساله همان چیزی است که گاهی اوقات به عنوان نیاز به هماهنگی شناختی از آن یاد می‌شود یعنی حفظ دیدگاهی با ثبات درباره‌ی خود یا دیگران، اگرچه نادرست یا تحریف شده باشد. با این تعریف کلی، طحاره می‌تواند مثبت یا منفی، سازگار یا ناسازگار باشد و می‌تواند در اوایل زندگی یا در مسیر بعدی زندگی شکل بگیرد (کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳).

پژوهش حاضر براساس مدل طحاره‌های ناکارآمد یانگ انجام شده است. از نظر یانگ (۱۹۹۴)، طحاره‌ها تاثیر عاطفی متقابل افراد در روابط صمیمانه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این باورها به ما قابلیت پیش بینی و قطعیت می‌دهند و آشنا و آرامبخش هستند. ما نمی‌توانیم به راحتی آنها را رها کنیم، چرا که آنها دانش ما در مورد خودمان و جهان پیرامونمان را سازمان می‌دهند و کیستی ما و چگونگی درک جهان را تعیین می‌کنند. شاید به همین علت باشد که روانشناسان شناختی معتقدند که طحاره‌ها به سختی تغییر می‌کنند (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴: ولیبرگ و برایت، ۲۰۰۷). طحاره‌ها مطابق با پنج نیاز تحولی به پنج حیطه وسیع تقسیم می‌شوند و فرض ما بر این است که اگر این پنج نیاز تحولی در کودک از سوی والدین ارضا نشود، طحاره‌های گفته شده در کودکان به وجود نمی‌آید. این پنج نیاز تحولی عبارتند از نیاز به پیوند و پذیرش، خودگردانی و عملکرد، محدودیت‌های واقع بنیانه، خود جهت مندی، بیان خویشتن و خودانگیختگی.

هنگامیکه کنش والدین و شرایط اجتماعی در حد بهینه و مطلوب باشد، در ساختار شخصیت کودکان در این پنج زمینه الگویی سالم ساخته می‌شود، اما چنانچه والدین و محیط اجتماعی در حد بهینه و مطلوب نباشد، کودک مستعد ایجاد طحاره‌های ناسازگار اولیه در یک یا چند حوزه‌ی تحولی می‌شود (یانگ و براون: ۱۹۹۰، یانگ، ۱۹۹۴). اولین حوزه تحولی حوزه قطع ارتباط و طرد است. این حوزه مربوط به ارضاء نشدن نیاز به امنیت و برقراری ارتباط رضایت بخش با دیگران است (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷). انتظار اینکه نیازهای شخصی برای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، احساسات مشترک، پذیرش و احترام به شیوه‌ای قابل پیش بینی ارضا نخواهد شد.

طحاره‌های این حوزه شامل موارد زیر است:

۱- محرومیت هیجانی ۲- رهاشدگی ۳- بی‌اعتمادی و بد رفتاری ۴- انزوای اجتماعی ۵- نقص و شرم (کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳)

دومین حوزه، حوزه عملکرد و خودگردانی مختل است. این حوزه انتظارات فرد از خودش و محیط را در مورد امکان جدا شدن، مستقل شدن، بقاء و عملکرد موفقیت آمیز در بر می‌گیرد (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷)، به نحوی که فرد احساس می‌کند برای جدایی، بقاء و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت آمیز تکالیف توانایی کافی ندارد. طحاره‌های این حوزه عبارتند از:

۶- وابستگی و بی‌کفایتی ۷- آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری ۸- خود تحول نیافته و گرفتار ۹- شکست (یانگ و کلسکو، ۲۰۰۳: کلسکو ویشارویانگ، ۲۰۰۳)

سومین حوزه، حوزه محدودیت‌های مختل است. طحاره‌های این حوزه نمایانگر نقص در مسئولیت‌ها و محدودیت‌های فردی برای خود از قبیل مسئولیت پذیری نسبت به دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلند مدت زندگی می‌باشد (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷) این طحاره منجر به مشکلات در رابطه با رعایت حقوق دیگران و



همکاری با دیگران تعهد یا هدف گزینی و رسیدن به اهداف واقع بنیانه می‌شود. این حیطة شامل طرحواره‌های زیر است:

۱۰- استحقاق یا بزرگ منشی ۱۱- خویشتن داری یا خود انضباطی ناکافی (کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳)

چهارمین حوزه، حوزه دیگر جهتمندی است، که نمایانگر تمرکز بیش از حد فرد بر تمایلات و احساسات دیگران و درمقابل نادیده گرفتن نیازهای خود به منظور دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی جویی صورت می‌گیرد (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷). این حیطة شامل طرحواره‌های زیر است:

۱۲- اطاعت ۱۳- ایثار ۱۴- پذیرش جویی / جلب توجه (کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳).

پنجمین حوزه، حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری است. افرادی که طرحواره‌های مربوط به این حیطة را دارند بیش از حد و به شیوه‌ای کاملاً افراطی بر واپس زنی احساسات درونی و تکانه‌های خود انگیخته تاکید دارند و انتظارات و قوانین درونی شده‌ی آنها در خصوص عملکرد و رفتار اخلاقی چندان سخت گیرانه است که مانع برقراری روابط صمیمانه، خوشحالی و آرامش فرد می‌شود: طرحواره‌های زیر مربوط به این حیطة هستند (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷) این حیطة شامل طرحواره‌های زیر است:

۱۵- منفی‌گرایی / بدبینی ۱۶- بازداری هیجانی ۱۷- معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی ۱۸- تنبیه (کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳).

یانگ معتقد است طرحواره‌ها از طریق سه فرایند درشخص دست به عمل می‌زنند: ۱- تداوم طرحواره ۲- اجتناب طرحواره ۳- جبران طرحواره، که این موارد را بعنوان فرایندهای طرحواره‌ای می‌نامد. این فرایندها تبیین می‌کنند که چگونه طرحواره‌ها درون فرد دست به عمل می‌زنند آنها همچنین تبیین می‌کنند که چگونه طرحواره‌ها تداوم می‌یابند، مورد اجتناب قرار می‌گیرند و چگونه گاهی

اوقات بیماران با جبران افراطی طرحواره‌ها خودشان را با آنها انطباق می‌دهند این فرایندها درحوزه‌های شناختی، عاطفی و عملکرد دراز مدت رفتاری می‌توانند اتفاق بیفتند.

یانگ فرایند دیگری را بنام تداوم طرحواره مطرح می‌کند و به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن طرحواره‌های ناسازگار اولیه تقویت می‌شوند. این فرایندها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱) تحریف‌های شناختی، ۲) الگوهای رفتاری خود آسیب رسان.

در سطح شناختی، تداوم طرحواره‌ها معمولاً با برجسته‌سازی واغراق دراطلاعات همخوان با طرحواره منفی یا کمینه‌سازی اطلاعات مخالف با طرحواره صورت می‌گیرد. بسیاری از فرایندهای تداوم طرحواره را قبلاً بک با عنوان تحریف‌های شناختی شرح داده است. برخی از مهم‌ترین تحریفها عبارتند از بیشینه‌سازی^۱، کمینه‌سازی^۲، انتزاع انتخابی^۳ و تعمیم بیش از حد^۴. در سطح رفتاری، تداوم طرحواره از طریق الگوهای رفتاری خود آسیب رسان به دست می‌آید. این الگوها ممکن است در محیط اولیه‌ی خانوادگی کارآمد بوده باشند ولی به مرور زمان و خارج از محیط خانواده این رفتارها اغلب خودآسیب رسان می‌شوند. برای مثال زنی که طرحواره‌ی اطاعت دارد ممکن است مردی را برای ازدواج انتخاب کند که سلطه‌گر باشد با این کار او نقش یک مطیع و پیرو را بازی کرده و احساس آرامش پیدا می‌کند و دیدگاه او درمورد خودش به عنوان یک فرد مطیع تقویت می‌شود.

انتخاب شریک زندگی ناسازگار یکی از معمول‌ترین سازو کارهایی است که از طریق آن طرحواره‌ها تداوم می‌یابند (یانگ و کلسکو، ۲۰۰۳) هنگامی که طرحواره ناسازگار برانگیخته شود، افراد معمولاً سطح بالایی از عواطف نظیر خشم شدید، اضطراب، غم یا احساس گناه را تجربه می‌کنند (موریس، ۲۰۰۶).

این شدت هیجان معمولاً ناخوشایند است؛ بنابراین

1. magnification
2. minimization
3. selective abstraction
4. overgeneralization



دارند، می‌گویند این افراد از برقراری روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند چون می‌ترسند که فرد مورد نظر را از دست بدهند. آنها ممکن است همسری را انتخاب کنند که نمی‌تواند متعهد باشد و رابطه پایداری برقرار کند تا در نتیجه‌ی آن طحرواره آنها نیز تایید گردد. (کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳). او معتقد است معمولاً افرادی که در کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، در بزرگسالی یا خود این کار را ادامه می‌دهند و یا فرد سوء استفاده‌گری را به عنوان همسر برمی‌گزینند یا اگر در یک رابطه خوب وارد شوند، کارهایی انجام می‌دهند تا طرف مقابل را به سمت سوء استفاده‌گری سوق دهند، مثلاً گفته‌های معمولی طرف مقابل را به گونه‌ای می‌پیچانند که هدف آن گفته‌ها آزار و توهین بوده، مرتباً همه را مورد آزمون قرار می‌دهند و آنها را متهم به صدمه زدن به خودشان می‌کنند و حتی زمانیکه با آنها به خوبی رفتار می‌شود، احساس می‌کنند که مورد سوء استفاده واقع شده‌اند (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴). در واقع آنها به سبب وجود طحرواره‌ی بی‌اعتمادی/ بد رفتاری، همسری بد رفتار را انتخاب می‌کنند و به او اجازه بد رفتاری می‌دهند (همان منبع). همچنین افرادی که طحرواره محرومیت هیجانی دارند معمولاً از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند و در صورتیکه در رابطه با فردی وارد شوند در مورد نیازها و احساسات خود چیزی به طرف مقابل نمی‌گویند و به هنگام برآورده نشدن آنها احساس ناامیدی می‌کنند، هرگز به گونه‌ای رفتار نمی‌کنند تا همسرشان آنها را مورد حمایت و راهنمایی قرار دهد، احساس محرومیت می‌کنند اما چیزی نمی‌گویند در حالی که احساس ناخوشنودی دارند، طلبکار و عصبانی می‌شوند ولی افرادی غیر قابل دسترس هستند و از دیگران فاصله می‌گیرند مخصوصاً فاصله‌ی عاطفی و از برقراری روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴) آنها ممکن است فردی را به عنوان همسر آینده‌ی خود انتخاب کنند که او نیز محرومیت هیجانی دارد (همان منبع). یانگ ادامه می‌دهد؛ افرادی که طحرواره‌ی انزوای

افراد اغلب فرایندهای خودکاری را برای اجتناب طحرواره در شکل سه فرایند شامل فرایند اجتناب شناختی (تلاشهای خودکار برای توقف افکار و تصویرهای ذهنی که ممکن است طحرواره‌ها را برانگیزد) فرایند اجتناب عاطفی (تلاشهای خودکار یا ارادی برای بلوکه کردن احساسهایی که به وسیله طحرواره‌ها برانگیخته شده‌اند) و فرایند اجتناب رفتاری و گرایش برای کناره‌گیری از موقعیتهای یا شرایط واقعی زندگی که ممکن است طحرواره‌های دردناک را برانگیزد) خود را نشان می‌دهد. (اندرسون، رایجر و کترسون، ۲۰۰۷؛ کلسکو، ویشارویانگ، ۲۰۰۳). جبران طحرواره، به جبران مضاعف طحرواره ناسازگار اشاره دارد. گاهی برخی افراد سبک شناختی یا رفتاری را برمی‌گزینند که به نظر می‌رسد متضاد چیزی است که از طحرواره اولیه پیش‌بینی شده است. مثلاً برخی از بیماران که طحرواره محرومیت هیجانی دارند، ممکن است به شیوه‌ای خود شیفته عمل کنند و در نهایت از دوستان، همسر و همکاران خود دور می‌شوند. با توجه به پایدار بودن طحرواره‌ها در این بخش به بررسی رابطه طحرواره‌های اولیه و انتخاب همسر پرداخته می‌شود. شناختهای افراد درباره فرایند انتخاب همسر به هنگام ازدواج یکی از عوامل بسیار مهمی است که می‌تواند ازدواج را با موفقیت یا شکست مواجه نماید. آگاه بودن افراد درباره نگرشها و طرز تفکر و عقیده خودشان درباره ازدواج و در پیش گرفتن منطقی واقع بینانه می‌تواند در داشتن ازدواج رضایت بخش آنها نقش بسزایی را داشته باشد. از نظر یانگ این طحرواره‌ها و فرایندهای طحرواره‌ای به سبب تاثیری که بر برداشت ما از خودمان و دیگران دارند بر نگرشها و تصمیم‌گیری‌های ما در زندگی که از جمله‌ی مهمترین آنها انتخاب همسر می‌باشد، موثر واقع می‌شوند در ذیل برخی از پیش‌بینی‌های یانگ در خصوص نحوه‌ی همسرگزینی افراد با طحرواره‌های مختلف مطرح شده است. یانگ (۱۹۹۴) در خصوص افرادی که طحرواره رهاشدگی



و جسمانی از آنها سوء استفاده می‌کنند، کسانی که طرد کننده و انتقادگرند و کسانی که به آنها علاقه زیادی ندارند اما این افراد تلاش می‌کنند تا عشق آنها را به دست بیاورند. لذا افراد جذاب و بسیار محبوب را انتخاب می‌کنند در حالی که واضح است که نمی‌توانند آنها را بدست آورند (دولانگ، ۲۰۰۷).

افرادی که طرحواره اطاعت دارند از موقعیتهایی که مستلزم تعارض با دیگران است اجتناب می‌کنند. (کلسکو، ویشار ویانگ، ۲۰۰۳) همسر افرادی که طرحواره اطاعت دارند فردی است که مسئول و قابل اعتماد نخواهد بود، لذا خود این افراد باید مسئولیت‌های مختلفی را بپذیرند (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴)، و فردی که طرحواره استحقاق و بزرگ منشی دارد ممکن است از موقعیتهایی که عملکردش در سطح متوسط باشد یا برتر نباشد، اجتناب کند (کلسکو، ویشار ویانگ، ۲۰۰۳). بنابراین از نظر یانگ افراد برمبنای طرحواره هایشان همسر آینده‌ی خود را بر می‌گزینند و در این گزینش آنها ممکن است به سوی فرایند تداوم طرحواره و یا فرایند جبران طرحواره گرایش داشته باشند. با توجه به پایدار بودن طرحواره‌ها در طول زندگی و نقش تعیین کننده آن‌ها در نوع نگاه انسان به خود و در این پژوهش ارتباط نوع فرایند طرحواره‌ای را با نگرش به ازدواج بررسی می‌کنیم.

بیشتر پژوهشهای انجام شده در زمینه‌ی طرحواره‌های اولیه در حیطه اختلالات روان شناختی است، در حالی که تاکنون در داخل و خارج کشور پژوهشی در خصوص رابطه‌ی طرحواره‌های اولیه با نگرش به ازدواج صورت نگرفته است. از این رو در این مطالعه به بررسی این رابطه پرداخته شده است.

با توجه به مبانی نظری تحقیق، بنظر می‌رسد: نگرش به ازدواج افرادی که در انتخاب شریک زندگی به سوی فرایند تداوم طرحواره گرایش دارند در مقایسه با افرادی که به فرایند جبران طرحواره گرایش دارند، تفاوت معناداری دارد.

اجتماعی دارند، از اینکه افراد دیگر با خانواده‌شان ملاقات کنند و چیز زیادی در مورد آنها بدانند احساس شرم می‌کنند، وانمود می‌کنند که مثل بقیه هستند و اجازه نمی‌دهند نکات غیر معمولی در مورد آنها آشکار شود (همان منبع)، زندگی خصوصی دارند و باور دارند که رفتارشان باعث خفت خودشان و طرد شدن از جانب دیگران است. تلاش زیادی می‌کنند تا نقص‌های خانواده‌شان را بر طرف کنند. مثلاً عنوان، دارایی مالی، تحصیلات و مخفی کردن تفاوت‌های فرهنگی و... هرگز بخشهایی از وجود خود را نمی‌پذیرند، در مورد ظاهر فیزیکی خود احساس ضعف می‌کنند و احساس عدم جذابیت دارند، از مکانهای عمومی اجتناب می‌کنند و مرتباً خود را با افرادی که محبوبیت دارند مقایسه می‌کنند و تلاش زیادی در جهت جبران بی‌کفایتی اجتماعی خود دارند این افراد معمولاً با افرادی ازدواج می‌کنند که بسیار اجتماعی‌اند، در این صورت به همسرشان وابسته می‌شوند و دید آنها در خصوص بی‌کفایتی خودشان مرتباً تقویت می‌گردد (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴).

یانگ (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴) معتقد است افرادی که طرحواره‌ی وابستگی دارند، مثل کودک به افراد مهم زندگی‌شان وابسته می‌شوند و از آنها می‌خواهند تا اکثر تصمیم‌های مهم را به عهده بگیرند، این افراد تقریباً احساس خود بودن خود را از دست می‌دهند و از درگیر شدن با چالش‌های جدید اجتناب می‌کنند (یانگ و کلسکو، ۱۹۹۴). همچنین کسانی که طرحواره آسیب‌پذیری دارند، تمایل دارند که همسر آینده‌شان دائماً از آنها محافظت کند، تمایل دارند که وی فردی قوی، شجاع و گاهی پزشک باشد تا آنها را از خطرات مصون بدارد و به ترس‌ها و بیم‌هایی که آنها در زندگی دارند، اهمیت دهد (همان منبع).

افرادی که طرحواره نقص و شرم دارند، معمولاً از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند در رابطه با دیگران معمولاً اجازه می‌دهند تا طرف مقابل آنها را مورد انتقاد و تحقیر همیشگی قرار دهد. معمولاً با کسانی ازدواج می‌کنند که از نظر عاطفی



روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر، بر اساس شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع تحقیقات توصیفی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روشهایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. یکی از انواع تحقیق توصیفی، تحقیق همبستگی است. در این تحقیق رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۸۵).

جامعه آماری پژوهش حاضر را کل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فردوسی مشهد که در سال ۸۶-۱۳۸۵ در مقطع کارشناسی در دو وضعیت روزانه و نوبت دوم ثبت نام کرده‌اند، تشکیل می‌دهد که در مجموع ۱۵۹۱۵ نفر می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌ی مورد نظر از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. مزیت نمونه‌گیری طبقه‌ای در این است که احتمال معرف بودن نمونه را به ویژه در شرایطی که جامعه بزرگ باشد، افزایش می‌دهد. (دلور، ۱۳۸۵).

تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۰۷ نفر به دست آمد که با توجه به اینکه همیشه در اجرای پرسشنامه تعدادی از پرسشنامه‌ها ناقص پرمی شوند و حذف می‌شوند اجرا بر روی ۳۸۰ نفر انجام شد. ۷۳ نفر به دلایل فوق حذف شدند و ۳۰۷ نفر باقی ماندند. نظر به اینکه ۶۲/۲ درصد جامعه‌ی پژوهش حاضر را زنان و ۳۷/۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند جهت رعایت نسبت فوق، تعداد ۱۹۱ نفر زن و ۱۱۶ نفر مرد به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار

پرسشنامه همسرگزینی (MSI):

پرسشنامه همسرگزینی، یک پرسشنامه محقق ساخته است که بر مبنای تئوری جفری یانگ تهیه شده است و به دنبال پاسخی برای این سؤال است که افراد با طحاره‌های مختلف چه فردی را به عنوان همسر ایده آل

خود، انتخاب می‌کنند؟ (همسری که به آنها در تداوم طحاره‌ها و یا بلعکس در جهت جبران طحاره‌هایشان کمک کند).

تعداد ۶۰ سؤال در این خصوص تهیه شده است و هر ۴ سؤال، فرایند مربوط به یک طحاره را می‌سنجد.

هر ماده بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (نمره ۱ برای کاملاً مخالفم، نمره ۲ برای نسبتاً مخالفم، نمره ۳ برای کمی مخالفم، نمره ۴ برای کمی موافقم، نمره ۵ برای نسبتاً موافقم، نمره ۶ برای کاملاً موافقم).

چنانچه میانگن نمره فرد برای هر ۴ سؤال که در خصوص یک طحاره مطرح شده است معادل ۱۲ و یا کمتر از آن باشد کد ۱ به عنوان شاخص بیانگر استفاده‌ی فرد از فرایند «تداوم طحاره» و در صورتی که نمره فرد بالاتر از ۱۲ باشد کد ۲ به عنوان شاخص بیانگر استفاده‌ی فرد از فرایند «جبران طحاره» اختصاص داده می‌شود.

روایی صوری پرسشنامه با نظر سنجی از ۵ نفر از اساتید رشته روانشناسی دانشگاه‌های الزهراء، فردوسی مشهد و دانشگاه اصفهان مورد ارزیابی و تایید قرار گرفت.

پایایی پرسشنامه‌ی همسرگزینی نیز با روش آزمون-باز آزمون اندازه‌گیری شد. به این منظور ۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی که در این زمینه حاضر به همکاری بودند پرسشنامه را ابتدا در اسفند ماه ۸۵ و سپس در فروردین ماه سال ۸۶ برای بار دوم، پاسخ دادند. همبستگی نمره‌ی افراد برای هر فرایند در اجرای اول و دوم مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

همبستگی نمره‌ی افراد در اجرای اول و دوم برای طحاره‌های حوزه‌ی قطع ارتباط و طرد ۰/۸۱ حوزه‌ی عملکرد و خودگردانی مختل ۰/۶۴ حوزه‌ی دیگر جهت مندی ۰/۸۱ حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۰ حوزه‌ی محدودیت‌های مختل ۰/۷۳ و همچنین همبستگی کل تست نیز ۰/۷۸ بدست آمده است. علاوه بر این در



حداکثر نمره وی ۳۲ خواهد بود. هر چه نمره‌ی فرد در این مقیاس بالاتر باشد نمایانگر این است که وی نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارد و ازدواج را محدود کننده‌ی آزادی فردی و زندگی شاد نمی‌داند درمقابل هر چه نمره‌ی فرد پایین‌تر باشد نشان دهنده این نکته است که فرد ازدواج را دشوار تلقی می‌کند و بر این باور است که ازدواج محدود کننده‌ی شادیهای دوران مجرد و آزادیهای فردی است (کانی و همکاران، ۱۹۹۴ به نقل از آزاد فلاح، ۱۳۸۵).

در پژوهشی که آزاد فلاح (۱۳۸۵) به منظور بررسی نقش برنامه‌ی مداخله‌ای اصلاح باورها در گرایش به ازدواج انجام داد، این مقیاس به فارسی ترجمه و از طریق روش ترجمه و سپس ترجمه‌ی مجدد و برگردان به انگلیسی مطابقت صوری مقیاس بررسی شد و در مورد پایایی مقیاس نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ که نمایانگر ثبات درونی قابل قبولی است، به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

فرضیه‌ی پژوهش از طریق آزمون تی برای گروههای مستقل بررسی شد. جدول بندی براساس پنج حوزه‌ی اصلی طر حواره‌ها صورت گرفته است.

بر اساس اطلاعات جدول ۱ بین نگرش مثبت به ازدواج در

پژوهش حاضر پایایی هر یک از پنج حوزه‌ی طر حواره‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شده است. بر این اساس پایایی برای طر حواره‌های حوزه‌ی قطع ارتباط و طرد ۰/۷۸، حوزه‌ی عملکرد و خود گردانی مختل ۰/۵۸، حوزه‌ی دیگر جهت مندی ۰/۷۸، حوزه‌ی هگوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۵۸، حوزه‌ی محدودیتهای مختل ۰/۴۸ و همسانی درونی کل تست نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ بدست آمده است.

مقیاس ترجیح نگرشها نسبت به ازدواج هیل (FAMS):

مقیاس ترجیح نگرشها نسبت به ازدواج هیل، مقیاس ۹ ماده‌ای است که نگرشهای فرد را نسبت به ازدواج ارزیابی می‌کند. فرم اصلی مقیاس هیل دارای ۹ ماده است که هر یک از مواد بر اساس یک مقیاس دو درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند. اما مطالعات بعدی مجموعه‌ای از تغییرات را در مقیاس اصلی پدید آورده است. علاوه بر تغییراتی که در بدنه مواد صورت گرفته است، مواد یک تاهفت بر اساس یک مقیاس چهار درجه‌ای است و تنها مواد هشت و نه بر اساس مقیاس دو درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند (کانی و همکاران، ۱۹۹۴ به نقل از آزاد فلاح، ۱۳۸۵).

بدین ترتیب حداقل نمره فرد در این مقیاس نمره ۹ و

متغیرها	شاخص آماری	فرایند	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آزادی	درجه آزادی	سطح معناداری
محرومیت هیجانی	جبران	۲۷۴	۲۱/۹۳	۵/۷۴	۰/۶۲	۳۰۵	۰/۵۳	
	تداوم	۳۳	۲۱/۲۷	۵/۱۵				
رها شدگی	جبران	۲۵۰	۲۲/۵۱	۵/۴۷	۴/۳۲	۳۰۵	۰/۰۰۱	
	تداوم	۵۷	۱۹	۵/۷۳				
بی‌اعتمادی / بدرفتاری	جبران	۲۷۵	۲۱/۹۰	۵/۶۵	۰/۴۴	۳۰۵	۰/۶۵	
	تداوم	۳۳	۲۱/۴۳	۶/۰۴				
نقص / شرم	جبران	۲۷۱	۲۲/۰۱	۵/۸۶	۱/۳۴	۳۰۵	۰/۱۸	
	تداوم	۳۶	۲۰/۶۶	۳/۹۷				
انزوای اجتماعی	جبران	۲۷۴	۲۲/۰۵	۵/۷۷	۱/۷۰	۳۰۵	۰/۰۹	
	تداوم	۳۳	۲۰/۲۷	۴/۶۷				

جدول ۱ - آزمون t مستقل بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طر حواره دارند و آنها که گرایش به جبران طر حواره دارند در طر حواره‌های محرومیت هیجانی، رها شدگی، بی‌اعتمادی، نقص، انزوای اجتماعی



شاخص آماری	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
شکست	جبران	۱۴۶	۲۰/۵۷	۵/۶۴	-۳/۸۰	۳۰۵	۰/۰۰۱
	تداوم	۱۵۸	۲۳/۵۲	۵/۴۸			
وابستگی / بیکفایتی	جبران	۲۲۶	۲۱/۲۳	۵/۹۰	-۳/۲۴	۳۰۵	۰/۰۰۱
	تداوم	۸۱	۲۳/۵۹	۴/۶۳			
آسیب پذیر در برابر ضرر و بیماری	جبران	۲۷۱	۲۱/۸۵	۵/۶۷	-۱/۰۶	۳۰۵	۰/۹۴
	تداوم	۳۶	۲۱/۹۱	۵/۸۵			
خود تحول نیافته / گرفتار	جبران	۲۳۰	۲۱/۱۳	۵/۶۱	-۳/۹۲	۳۰۵	۰/۰۰۱
	تداوم	۷۷	۹/۹۲	۴/۶۲			

جدول ۲- آزمون t مستقل بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طحاره دارند و آنها که گرایش به جبران طحاره دارند در طحاره‌های شکست، وابستگی، آسیب پذیری در برابر ضرر، خود تحول نیافته.

نتایج آزمون تی مستقل نشان می‌دهد؛ بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طحاره دارند و آنها که گرایش به جبران طحاره دارند در طحاره‌های خویشتن داری/ خودانضباطی ناکافی و استحقاق / بزرگ منشی تفاوت معنادار وجود ندارد.

بر اساس اطلاعات جداول ارائه شده، بین نگرش به ازدواج افرادی که به سوی فرایند جبران طحاره گرایش دارند و افرادی که به سوی فرایند تداوم طحاره گرایش دارند در طحاره‌های حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری تفاوت معنادار وجود ندارد.

افرادی که گرایش به سوی فرایند تداوم طحاره دارند و آنها که گرایش به سوی جبران طحاره دارند در طحاره‌های حوزه‌ی قطع ارتباط و طرد تفاوت وجود دارد و این ($p < 0.001$, $t=4.3$) در طحاره‌ی رهاشدگی معنادار می‌باشد. آنچه در خصوص نتایج فوق لازم به ذکر است اینکه در طحاره رهاشدگی بین نگرش افرادی که به دنبال جبران طحاره‌ی خود هستند و افرادی که سعی در تداوم طحاره‌هایشان دارند، نسبت به ازدواج تفاوت معنادار وجود دارد و افرادی که به دنبال جبران طحاره‌ی خود هستند نگرش بسیار مثبت تری به ازدواج نشان می‌دهند.

نتایج آزمون تی مستقل نشان می‌دهد؛ بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طحاره دارند و آنها که گرایش به جبران طحاره دارند در طحاره‌های شکست، وابستگی/ بی کفایتی و خود تحول نیافته گرفتار تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش به ازدواج افرادی که در همسرگزینی به سوی فرایند تداوم طحاره گرایش دارند و آنها که به سوی فرایند جبران طحاره گرایش دارند

شاخص آماری	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
استحقاق و بزرگ منشی	جبران	۲۶۲	۲۱/۹۹	۵/۵۱	-۱/۹۸	۳۰۵	۰/۳۲
	تداوم	۴۵	۲۱/۰۸	۶/۶			
خویشتن داری/ خودانضباطی ناکافی	جبران	۲۶۸	۲۱/۶۴	۵/۷۷	-۱/۷۰	۳۰۵	۰/۳۲
	تداوم	۳۹	۲۳/۳۰	۴/۸۱			

جدول ۳- آزمون t مستقل بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طحاره دارند و آنها که گرایش به جبران طحاره دارند در طحاره‌های استحقاق / بزرگ منشی و خویشتن داری / خودانضباطی ناکافی



شاخص آماری	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
اطاعت	جبران	۱۵۵	۲۰/۶۷	۵/۳۳	-۳/۷۸	۳۰۵	۰/۰۰
	تداوم	۱۵۲	۲۳/۰۷	۵/۷۸			
ایثار	جبران	۱۸۱	۲۱/۳۳	۵/۲۴	-۱/۹۴	۳۰۵	۰/۰۵
	تداوم	۱۲۶	۲۲/۶۱	۶/۲۱			

جدول ۴- آزمون t مستقل بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طر حواره دارند و آنها که گرایش به جبران طر حواره دارند در طر حواره های اطاعت و ایثار

شده اند، نگرش مثبت تری به ازدواج دارند. از بین افرادی که طر حواره ی وابستگی/ بی کفایتی را دارند و بر این باورند که قادر نیستند مسئولیتهای زندگی روزمره را به عهده بگیرند آنها که ازدواج را راهی برای سپردن مسئولیتهای بردوش دیگری و نه راهی برای مبارزه با احساس بی کفایتی خویشتن می دانند و جویای همسرانی هستند که تمام مسئولیتهای مهم زندگی را به عهده او بگذارند، نگرش مثبت تری به ازدواج دارند.

به عبارت دیگر افرادی که سعی در تداوم طر حواره ی بی کفایتی خود دارند نگرش مثبت تری به ازدواج نشان می دهند و بین این گروه از افراد با آنها که به دنبال جبران طر حواره ی خود هستند تفاوت معناداری وجود دارد.

افرادی که طر حوار اطاعت را دارا می باشند و به سوی تداوم طر حواره ی خود گرایش دارند به بیان دیگر تمایل دارند همسرشان نسبت به آنها اقتدار و تسلط داشته باشد و همچنین افرادی که طر حواره ی ایثار دارند و به دنبال همسرانی هستند که نیاز به کمک دارند و بیش از آنکه دهنده باشند، گیرنده هستند، نسبت به افرادی که در مقابل

در طر حواره های حوزه ی قطع ارتباط و طرد تفاوت وجود دارد و این تفاوت در مورد طر حواره ی رهاشدگی معنادار می باشد.

فردی که طر حواره ای در حوزه ی قطع ارتباط و طرد دارد نیازی که از کودکی در او ارضاء نشده است نیاز به امنیت و برقرای روابط رضایت بخش است فردی که از کودکی از پذیرش و محبت اطرافیان محروم مانده است و در این زمینه احساس فقدان و کمبود می کند، فردی که از کودکی طرد شده و هیچ گاه نتوانسته است در رابطه با دوستان خود صمیمیت را تجربه کند در صورتی به ازدواج نگرش مثبت تری خواهد داشت که بتواند پیش بینی کند که ازدواج جبران این ناکامیهاست.

به عبارت دیگر، آنها که جویای همسری هستند که به عواطف و احساسات آنها توجه زیادی داشته باشد، همیشه در کنارشان باشد، در مقابل آنها احساس مسئولیت و تعهد نماید، هرگز آنها را تنها نگذارد در مقایسه با افرادی که تمایل دارند در زندگی مشترک نیز احساس طرد شدن و عدم پذیرش آنها تداوم یابد و در واقع تسلیم طر حواره ی خود

شاخص آماری	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
بازداری هیجانی	جبران	۲۷۱	۲۱/۷۵	۵/۷۹	-۰/۹۰	۳۰۵	۰/۳۶
	تداوم	۳۶	۲۲/۶۶	۴/۷۲			
معیارهای سرسختانه	جبران	۲۷۶	۲۱/۸۸	۵/۷۲	۰/۱۶	۳۰۵	۰/۸۷
	تداوم	۴۰	۲۱/۷۲	۵/۴۹			

جدول ۵- آزمون t مستقل بین نگرش به ازدواج دو گروه افرادی که گرایش به فرایند تداوم طر حواره دارند و آنها که گرایش به جبران طر حواره دارند در طر حواره های حوز هگوش به زنگی بیش از حد و بازداری



Dulong, J (2007). How Can I Keep From Suffocating in A Relationship? *Psychology Today*, Vol. 40.

Muris, P. (2006). Maladaptive schemas in non-clinical adolescents: Relations to perceived parental rearing behaviours, big five personality factors and psychopathological symptoms. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 13, 405-413.

Young, J. E. (1994). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach* (3rd ed). Sarasota, FL: Professional Resource Press.

Young, J.E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach* (Revised ed.). Sarasota, FL: Professional Resource Press.

Young, J.E., & Brown, G. (1990). *Young Schema Questionnaire* (2nd ed.). New York: Cognitive Therapy Center of New York.

Young, J.E., & Klosko, J.S. (1994). *Reinventing your life*. New York: Plume Books

Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M.E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford, Vlierberghe, L.V. & Braet, C. (2007). Dysfunctional Schemas and psychopathology in Referred Obese adolescents, *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 14, 342-351 .

طرحواره‌ی خود به فرایند جبران طرحواره گرایش دارند نگرش مثبت تری به ازدواج داشته و تفاوت بین این دو گروه معنادار است. (یانگ کلسکو، ۱۹۹۴)

در مجموع لازم به ذکر است که فرض‌های تحقیق در خصوص طرحواره‌های رهاشدگی، وابستگی/بی‌کفایتی، شکست، خود تحول نیافته/گرفتار، اطاعت و ایثار با توجه به مقادیر تی محاسبه شده معنادار می‌باشد. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت؛ افراد مختلف اهداف متفاوتی از ازدواج دارند. به نوعی که ازدواج را به دید فرصتی برای جبران ناکامیها و یا موقعیتی برای تایید باورهایشان می‌دانند. چنین انتظاراتی از ازدواج ممکن است باعث توقعات سطح بالا شود و چنانچه این نیازها در زندگی مشترک برآورده نشود موجب احساس ناامیدی در روابط و شکست نهایی خواهند شد (دولانگ، ۲۰۰۷).

فهرست منابع

- آزاد فلاح، پرویز (۱۳۸۳). راهکارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله‌ی بین بلوغ و ازدواج، طرح پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس. سرمد، زهره؛ بازگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات آگاه
- دلاور، علی (۱۳۸۵). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی (ویرایش سوم)، چاپ بیستم، انتشارات ویرایش
- لطفی، راضیه (۱۳۸۵): مقایسه طرحواره‌های ناسازگار افراد سالم و افراد مبتلا به اختلالات شخصیت دسته «ب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- عباسیان، حمیدرضا و فاتحی زاده، مریم (۱۳۸۲). هنجاریابی فرم کوتاه آزمون طرحواره‌های شناختی بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان نامه‌ی کارشناسی. دانشگاه اصفهان.

Anderson, K., Rieger, E., & Caterson, I. (2006). A comparison of maladaptive schemata in treatment-seeking obese adults and normal-weight control subjects. *Journal of Psychosomatic Research*, 60, 245-252.

Castille, K. Prout, M., Marczyk, G., Shmidheiser, M., Yoder, ..&Howlett., B (2007). The early maladaptive schemas of self-mutilators: implications for therapy. *Journal of Cognitive Psychotherapy: An International Quarterly*.21.